

تلْعُکُبری ابو محمد هارون بن موسی بن احمد

سید محمد جواد شبیری/ دانشنامه اسلام

تَلْعُکُبری، ابو محمد هارون بن موسی بن احمد، از محدّثان نامور امامیه در قرن چهارم (متوفی ۳۸۵). وی از قبیله بنی شیبان و به مکانی به نام تَلّ، در شهرک عُکُبرا، در ده فرسخی شمال بغداد، منسوب است (سمعانی، ج ۱، ص ۴۷۴، ج ۴، ص ۲۲۱؛ یاقوت حموی، ج ۱، ص ۸۶۸، ج ۳، ص ۷۰۵؛ قس علامه حلّی، ۱۴۱۵، ص ۳۱۵). نام وی را گاه بدون تشدید «ل» و معمولاً با تشدید ضبط کرده‌اند (رجوع کنید به منابع پیشین؛ شهید ثانی، ج ۲، ص ۱۰۶۸). نام اجداد وی، پیش از احمد، دو گونه ثبت شده است (رجوع کنید به نجاشی، ص ۴۳۹، و به نقل از وی علامه حلّی، ۱۴۰۲، ص ۱۸۰؛ همو، ۱۴۱۵، ص ۳۱۴؛ جزائری، ج ۲، ص ۳۳۲؛ قهپائی، ج ۶، ص ۲۱۰؛ تفرشی، ج ۵، ص ۳۹؛ مازندرانی حائری، ج ۶، ص ۴۱۰؛ قس دلائل الامامه، ص ۹۱). تاریخ ولادت وی معلوم نیست، ولی با توجه به اینکه از احمد بن ادريس اشعری (متوفی ۳۰۶)، محدّث معروف قمی، حدیث شنیده ظاهراً در اواخر قرن سوم به دنیا آمده است.

زندگی و مشایخ. از زندگی تلْعُکُبری اطلاعات چندانی در دست نیست. بیشتر آگاهیهای ما در این زمینه، گزارشهایی است که به استادان وی و اخذ حدیث وی از ایشان اشاره دارد. وی در خانه محمد بن هَمّام (متوفی ۳۳۶) از احمد بن ادريس اشعری روایاتی شنیده بوده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۱۱). محمد بن هَمّام رئیس محدّثان شیعه در بغداد بود و احمد بن ادريس، احتمالاً در راه حج، که با مرگش در میانه راه به انجام نرسید، در بغداد مهمان وی شده بود (نجاشی، ص ۹۲؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۲۰۲ به نقل از منتجب الدین رازی در تاریخ الری).

در دلائل الامامه (ص ۴۷۸)، روایتی از حضرت علی علیه‌السلام در بصره، و ظاهراً درباره جنگ جمل، آمده که تلعبری آن را از محمد بن جریر طبری روایت کرده است. مقایسه این سند با دو سند مشابه در تاریخ طبری (ج، ص) درباره وقایع جنگ جمل نشان می‌دهد که استاد تلعبری، مؤلف تاریخ طبری است، نه محمد بن جریر طبری صاحب کتاب المسترشد فی الامامه. از دیگر استادان اوائل عمر تلعبری، ابوبکر محمد بن محمد

بن سلیمان باغندی (متوفی ۳۱۲) است (خطیب بغدادی، ج ۳، ص ۲۱۳؛ ذهبی، ۱۹۶۳-۱۹۶۴، ج ۴، ص ۲۸۷؛ نیز رجوع کنید به خَرَّاز رازی، ص ۱۴۶). وی نیز ساکن بغداد و پیرو مذهب اهل سنت بود (خطیب بغدادی، همانجا). بیشتر استادان اوایل عمر تلعبری در بغداد بوده‌اند و ظاهراً تلعبری در دهه‌های نخستین عمر در بغداد می‌زیسته است (درباره سکونت او در بغداد رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۵، ص؛ شبیری، ۱۳۸۰ش، ص ۲۵۴). استاد دیگر وی محمد بن جعفر اسدی (متوفی ۳۱۲) است که تلعبری کتاب وی را روایت کرده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۲۶؛ نیز رجوع کنید به همو، ۱۴۱۱ الف، ص ۱۴۱). اسدی هر چند ساکن ری بوده (ابن بابویه، ۱۳۶۳ش، ص، ۴۸۸؛ نجاشی، ص؛ طوسی، ۱۴۱۱ الف، ص ۴۱۷-۴۱۵) ولی با توجه به منصب وکالت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، احتمال حضورش در بغداد برای ملاقات با حسین بن روح نوبختی، وکیل اصلی و نایب سوم امام عصر، بسیار است.

به نوشته شیخ طوسی (۱۴۱۵، ص ۴۴۲) در ۳۱۳، محمد بن محمد بن اشعث محدث معروف و مؤلف کتاب اشعثیات که در مصر می‌زیسته، به تلعبری و پدر و برادر وی اجازه روایت داده و این اجازه را محمد بن داود بن سلیمان به تلعبری رسانده است (بر اساس نسخه مکتوب به خط محمد بن سراهنگ، به تاریخ ۵۳۳، موجود در کتابخانه بریتانیا، ش ۷۹۶۵ or) و تلعبری از محمد بن داود

روایات الاشعثیات را که به پیامبر اکرم میرسد، شنیده و نقل کرده، ولی دیگر روایات این کتاب را - که اندک مییاشد - نقل نکرده است (همان، ص ۴۴۴).

به گزارش ابن نجّار (ج ۱۷، ص ۳۱)، ابومحمد هارون بن موسی عکبری (ظاهراً مصحّف تلّعکبری)، از عبیدالله بن حسین بن علویه بزاز، در ۳۱۵ حدیث شنید. محمد بن حسین بن حفص خُتَعْمی (متوفی ۳۱۷)، دومین استاد تلّعکبری است که به او اجازه روایت داد (ابن رازی، المسلسلات، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ ابن شاذان، ص ۱۱۲؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۲؛ همو، ۱۴۲۰، ص ۳۰۸؛ درباره تاریخ وفات وی رجوع کنید به خطیب بغدادی، ج ۲، ص ۲۳۵). تلّعکبری از ابوالقاسم بَغَوی (متوفی ۳۱۷) روایت کرده (ذهبی، ۱۹۶۳-۱۹۶۴، ج ۴، ص) و از احمد بن موسی بن العباس بن مجاهد در ۳۱۸ اخذ حدیث کرده است (خزاز رازی، ص ۱۴۶). به

گزارش شیخ طوسی در رجال (ص ۴۵۰)، در همین سال تلّعکبری یحیی بن زکریا کُتَنْجی را، که بیش از ۱۲۰ سال داشته، دیده و از وی حدیث شنیده بوده است (قس همو، ۱۴۱۴، ص ۲۴۵). در ۳۲۲ از احمد بن محمد بن ابی الغریب (یا الغریب) حدیث شنیده (همو، ۱۴۱۵، ص؛ نیز رجوع کنید به دلائل الامامه، ص ۸۱) وی در همین سال تا هنگام وفات ابن ابی الثلج در سال ۳۲۵ از وی حدیث شنیده (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۴۳) و به گزارش رجال طوسی (ص ۴۳۲)، وی از علی بن حسین بن بابویه قمی، در ۳۲۳ هنگامی که ابن بابویه وارد بغداد شد حدیث شنید و اجازه تمام روایاتش را دریافت داشت (نیز رجوع کنید به ابن طاووس، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۸۲). در ۳۲۳ و پس از آن، تلّعکبری از حسن بن محمد بن احمد زیدی - ساکن رُمَیْلَه بغداد - حدیث شنید و از وی اجازه روایت گرفت (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲۲).

مهمترین استاد تلعبری محمد بن هَمّام بغدادی است که نخستین بار در ۳۲۳ از او حدیث شنید (همان، ص ۴۳۹). نکته شایان تأمل آن است که تلعبری هفده سال قبل از آن، در خانه ابن هَمّام، از احمد بن ادريس حدیث شنیده بوده است. شاید علت این تأخیر هفده ساله بحران شلمغانی در جامعه شیعه بغداد بوده و برای ابن هَمّام که ریاست شیعه بغداد را برعهده داشته، مجال روایت حدیث وجود نداشته است.

تلعبری در دهلیز منزل محمد بن هَمّام، به پیشنهاد ابن هَمّام با خدمتکار امام حسن عسکری علیه‌السلام هم صحبت شد و ماجراهایی از زندگی آن حضرت را از وی شنید (دلائل‌الامامه، ص ۴۲۸-۴۳۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ الف، ص ۲۱۵؛ همو، ۱۴۱۵، ص ۴۴۴-۴۴۵). این ماجرا نشاندهنده نزدیکی تلعبری به ابن هَمّام است. وی بیش از همه از این استادش روایت نقل کرد، این مطلب در ۲۲ طریق شیخ طوسی به مؤلفان کتب دیده میشود (رجوع کنید به ۱۴۲۰، ص ۲۱، ۱۱۱، ۱۱۶ و جاهای دیگر؛ نیز رجوع کنید به زید زراد، ص ۲؛ عصفری، ص ۱۵؛ عاصم بن حمید، ص ۲۱؛ جعفر خَضَرَمی، ص؛ محمد خَضَرَمی، ص ۸۳، ذیل، ص). در اسناد فراوانی نیز روایت تلعبری از محمد بن هَمّام مشهود است (برای نمونه رجوع کنید به ابن قُلوویه، ص ۱۸۵؛ خزاز رازی، ص ۶۹، ۲۲۴؛ گَرَجَکی، ج ۱، ص ۱۸۲، ۱۸۴؛ نجاشی، ص ۷۹؛ طوسی، ۱۳۷۸-۱۳۸۲، ج ۳، ص ۸۷؛ همو، ۱۴۰۴، ص

۲۶۵؛ همو، ۱۴۱۱ الف، ص، ۲۶۱؛ همو، ۱۴۱۱ ب، ص ۴۱۱؛ همو، ۱۴۱۴، ص، ۶۴۳، ۶۹۷؛ دلائل‌الامامه، ص ۶۲، ۱۰۴؛ ابن طاووس، ۱۳۷۱ش، ص ۳۱۵؛ همو، ۱۳۶۷ش، ص ۱۱، ۳۲۲؛ همو، ۱۳۷۷ش، ص ۵۲، ۹۱، ۲۴۱، ۳۵۵، ۳۸۵؛ مجلسی، ج ۱، ص ۴۳، ج ۳۷، ص ۲۰۱، ج ۸۴، ص ۲۷۱).

دیگر استاد مهم تلعبری، ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید معروف به ابن عُقْدَه (متوفی ۳۳۲)

است که سه بار، از جمله در ۳۳۰، به بغداد آمد و علی القاعده در همان سال تلعبری از وی حدیث شنید (شیری، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۵۳؛ نیز رجوع کنید به خطیب بغدادی، ج ۵، ص ۱۹). روایت تلعبری از ابن عقده در دوازده طریق الفهرست شیخطوسی دیده میشود (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۲۰، ص ۳۶، ۸۳، ۱۴۹، ۱۶۷، ۱۷۵، ۲۳۱، ۲۸۱، ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۱۶، ۳۲۸، ۵۴۳؛ همو، ۱۳۷۸-۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۶، ۱۲۲؛ نیز رجوع کنید به ابن رازی، نوادر الاثر، ص ۲۹۷، ۳۱۱؛ خزاز رازی، ص ۴۴؛ دلائل الامامه، ص ۱۰۹؛ ابن طاووس، ۱۳۷۷ش، ص ۴۲۷، ۴۵۶؛ خوئی، ج ۱۹، ص ۱۹؛ زید نرسی، ص ۱۰۸؛ عبدالملک بن حکیم، ص ۹۸؛ مثنی بن ولید، ص ۱۰۲؛ خلاد سُدی، ص ۱۰۶؛ حسین بن عثمان، ص ۱۰۸؛ کاهلی، ص ۱۱۴؛ سلام بن ابی عمره، ص ۱۱۷؛ علی بن اسباط، ص ۱۲۱).

تلعبری از مشایخ بسیار دیگری هم روایت کرده است و شمار مشایخ وی تقریباً به ۱۳۰ تن میرسد، از جمله: احمد بن محمد بن سلیمان باغندی (متوفی ۳۲۶؛ خزاز رازی، ص ۱۴۶)، سعید بن احمد بن موسی العزّاد (متوفی ۳۲۶؛ نجاشی، ص ۱۸۰؛ الغزّاد)، احمد بن محمد بن اسماعیل مقری (متوفی ۳۲۷؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۱۲)، ابن ابی الیّابس (متوفی ۳۴۱؛ طوسی ۱۴۱۵، ص ۴۲۶)، ابن حُجام (جُحام؛ همان، ص ۴۴۴) و ابو غالب زرّاری (متوفی ۳۶۸؛ همان، ص ۴۱۰).

تلعبری یکی از راویان محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۸ یا ۳۲۹) و کتاب کافی است (کلینی، ج ۶، ص ۲۰۲؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۳۹۵؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۷۳، ج ۴، مشیخه، ص ۳۰۹؛ همو، ۱۳۷۸-۱۳۸۲، ج ۱۰، مشیخه، ص ۲۳). برخی محدّثان در ۳۲۷ از کلینی در بغداد حدیث شنیده‌اند (طوسی، ۱۳۷۸-۱۳۸۲، ج ۱۰، مشیخه، ص ۲۹؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۴، مشیخه، ص)، شاید تلعبری هم در همین سال یا حدود آن از شیخ کلینی

حدیث دریافت کرده باشد. گفتنی است که وی از سایر کتابهای کلینی (مثلاً رسائلالائمہ) نیز روایت کرده است.

یکی از مشایخ تلکبری، احمد بن محمد بن جعفر صولی است (دلائل الامامہ، ص ۹۱، ۹۴) که در ۳۵۲ یا ۳۵۳ وارد بغداد شده و برای مردم حدیث نقل کرده است (مفید، ۱۴۰۳، ص؛ نجاشی، ص؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۷۶). علی القاعده تلکبری هم در یکی از این سالها از وی حدیث آموخته است. یکی از مشایخ وی امام رضا علیہالسلام را درک کرده و در ۳۴۰ که تلکبری وی را دیده، بیش از ۱۵۰ سال داشته است (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۵۱، ش ۶۴۱۱). در میان مشایخ او نام یک زن نیز دیده میشود: فاطمه دختر هارون بن موسی بن الفرات که از طریق جد خود کتاب عبیدالله حلبی را روایت کرده است (همان، ص ۴۵۲). تلکبری از شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱) - احتمالاً در سفر وی به بغداد - روایت کرده است (همان، ص ۴۳۹).

وی بیشتر عمر خود را در بغداد بوده، ولی در ۳۲۶ ظاهراً در حلب، در ۳۲۹ و ۳۳۳ در کوفه، در ۳۴۰ و ۳۴۱ در مصر و در ۳۴۴ در کوفه حدیث شنیده است. در سامرا نیز از محمد بن احمد بن عبیدالله منصوری حدیث شنیده است (دلائل الامامہ، ص).

شیخ طوسی ۱۰۳ تن را، که شماری از آنان از مشایخ نامدار شیعهاند، نام برده و به روایت تلکبری از آنها، مکان و زمان روایت، روش روایت (اجازه یا سماع یا هر دو) و روایت یا روایاتی که از آنها نقل نموده اشاره کرده است. این اطلاعات غالباً در شرح‌الحالهای پیدری ذکر شده که نشانه بر گرفتن آنها از مصدري مختص به ذکر استادان تلکبری میباشد که همان مشیخه تلکبری بوده است (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۰۹-۴۱۲، ۴۱۹، ۴۲۲-۴۲۴، ۴۲۶-۴۲۷، ۴۳۱-۴۳۳، ۴۴۱-۴۴۵، ۴۵۰، ۴۵۱-۴۵۲؛ نیز

رجوع کنید به قهپائی، ج ۶، ص ۲۰۵-۲۰۹).

علاوه بر اشاره به مکان دریافت روایت تلعبری از مشایخ، ذکر مذهب استادان از دیگر اطلاعات مشیخه وی بوده است. وصف «خاصی» (برای معرفی رجال شیعه)، یازده بار در رجال شیخ طوسی فقط در ضمن شرح حال مشایخ تلعبری آمده و از تعابیر اختصاصی مشیخه وی بوده است (ص ۴۱۱، ش ۵۹۵۷، ص، ش، ۶۰۹۶، ۶۰۹۵، ص، ش، ص، ش، ۶۱۸۹،

۶۱۹۳، ص ۴۴۳، ش ۶۳۱۴، ۶۳۱۸، ۶۳۱۹). در یک جا نیز به زیدی بودن یکی از مشایخ او (ص ۴۳۲، ش ۶۱۹۴) تصریح شده است. در رجال به اهل سنت بودن هیچیک از استادان تلعبری اشاره نشده، هرچند برخی از آنها ظاهراً از اهل سنت بوده‌اند (برای نمونه رجوع کنید به ص ۴۲۲، ش ۶۰۸۸، ص ۴۳۳، ش ۶۱۹۶، ص ۴۴۲، ش ۶۳۱۲؛ نیز رجوع کنید به خطیب بغدادی، ج ۲، ص ۲۳۴، ج ۸، ص ۱۸۱-۱۸۳، ج ۱۰، ص ۳۶۳).

در میان مشایخ وی نام حسین بن حمدان خَصِیی، از غالیان شیعی، نیز دیده می‌شود (خزاز رازی، ص ۲۳۶؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۲۳؛ نیز رجوع کنید به نجاشی، ص ۶۷؛ ابن غضائری، ص ۵۴).

روایت طرفینی تلعبری و احمد بن ابراهیم صیمری (اصطلاحاً: مُدَبِّج رجوع کنید به مامقانی، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۳) جالب توجه است (رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۵، ش ۵۹۶۰). نظیر این نسبت بین تلعبری و ابن قولویه نیز وجود داشته است (رجوع کنید به ابنقولویه، ص ۱۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۱۸؛ ابنطاووس، ۱۳۷۷ش، ص ۱۲۸).

تلعبری در کتب رجال به جلالت قدر و بلندی مرتبت ستوده شده است، ابن طاووس از وی با عنوان «الشیخ الصدوق» یاد کرده است (۱۳۷۷ ش، ص ۵۲، ۲۲۸، ۲۳۶؛ همو، ۱۳۷۰، ص ۱۸). شیخ مفید در

کتاب لمح البرهان (تألیف)، تلعبری را در شمار «فقه‌های عصر و روات و فضلا» آورده است (به نقل ابن طاووس، ۱۳۶۷ ش، ص ۵). در این میان، ابن نجّار وی را راوی مطالب نادرست معرفی کرده (ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۲۴۱) که این امر ناشی از اختلاف مذهبی وی با تلعبری بوده است. آثار احمد بن علی نجاشی، تلعبری را صاحب کتب دانسته ولی تنها نام یک کتاب وی را ذکر کرده است. آثار شناخته شده تلعبری، که هیچیک از آنها به‌طور مستقل باقی نمانده، عبارتاند از:

- ۱) الجوامع فی علوم الدین (نجاشی، ص ۴۳۹) که از محتوای آن اطلاع درستی نداریم.
- ۲) مشیخه. به نقل ابن حجر عسقلانی از ابن نجّار، تلعبری در مشیخه خود از احمد بن عباس نجاشی روایت کرده (ج ۱، ص ۲۸۹)، این متن با اندک تفاوتی و به شکل صحیحتر در رجال شیخ طوسی (ص ۴۱۲، ش ۵۹۶۴) وارد شده است. به نظر می‌آید شیخ

طوسی اطلاعات دقیق و گسترده خود را درباره مشایخ تلعبری در شرح حالهای پیدری، از همین مشیخه گرفته است. البته در فهرست شیخ طوسی (بویژه رجوع کنید به ص ۵۴۲-۵۴۴، ش ۸۹۳ - ۸۹۸) نام استادان تلعبری آمده که در رجال طوسی نیامده و احتمالاً بر گرفته از مشیخه مذکور است. ابن نجار (ج ۱۷، ص ۳۱، ش ۲۹۸) به مشیخه اشاره کرده است. روشن نیست که ذکر افراد در مشیخه تلعبری همراه با نقل حدیث از مشایخ بوده است یا نه. سید کمالالدین بن حیدر حسینی با بهره‌گیری از رجال کبیر میرزای استرآبادی (= منهج المقال) مشیخه تلعبری را مشتمل بر ۱۰۴ مرد و یک زن تنظیم کرده است (آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۲۱، ص ۷۱).

- ۳) کتابی در ادعیه و مستحبات. ابن طاووس در کتب دعای خود اسناد بسیاری را با نام تلعبری آغاز کرده که متن احادیث به اعمال مستحبی و دعا تعلق دارد. بهسبب کثرت اینگونه موارد و مشابهت

مضمونی آنها، احتمالاً این احادیث از کتابی نوشته تلعبری درباره دعا و مستحبات گرفته شده است (برای نمونه رجوع کنید به ابن طاووس، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۱، ۲۴، ۴۷؛ همو، ۱۴۱۱، ص ۱۷۵؛ همو، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۹۲، ۴۷۸-۴۷۹، ۵۰۱ - ۵۰۲؛ نیز رجوع کنید به طوسی، ۱۴۱۱ ب، ص ۴۱۱، ۷۵۲، ۸۳۸؛ همو، ۱۳۷۸-۱۳۸۲، ج ۳، ص ۶۶، ۸۷). این کتاب غیر از کتاب مجموع دعوات است که فرزند تلعبری، ابوالحسین محمد بن هارون، نگاشته است (رجوع کنید به ادامه مقاله؛ آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۲۰، ص ۲۸، ۵۴؛ قس کولبرگ، ص ۳۸۸).

در کتب حدیث روایات بسیاری از تلعبری دیده میشود که لزوماً بر گرفته از کتب وی نیست و ممکن است تلعبری تنها راوی این احادیث بوده باشد، مثلاً موارد نقل الغیبه طوسی از تلعبری از محمد بن همام ممکن است بر گرفته از کتاب الانوار فی تاریخ الائمه تألیف ابن همام باشد (رجوع کنید به نجاشی، ص ۳۸۰). در عین حال، با توجه به برخی قرائن میتوان منقولات بر گرفته از کتب تلعبری را تا حد قابل قبولی شناسایی کرد (طوسی، ۱۴۱۱ الف، ص ۴۱۳، ۴۰۹، ۳۹۷، ۳۹۱؛ نیز رجوع کنید به همو، ۱۴۱۴، ص ۶۴۳ - ۶۴۸؛ شبیری، ۱۴۱۹، ص ۱۹۵-۱۹۶، ۲۲۱-۲۲۳).

شاگردان. به گفته نجاشی، مردم به خانه تلعبری میآمدند و بر وی حدیث میخواندند (ص ۴۳۹). این تعبیر حاکی از بسیاری شاگردان وی است. اما ابن نجّار ادعا کرده است که راویان اندکی از تلعبری روایت کردهاند (به نقل ذهبی، ۱۹۶۳-۱۹۶۴، ج ۴، ص ۲۸۷؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۷، ص ۲۴۱)؛ احتمالاً وی در این ادعا ناظر به راویان اهل تسنن است.

شیخ طوسی، با واسطه «جماعه من اصحابنا»، از تلعبری روایت کرده است. درباره مراد از این تعبیر توضیحاتی داده شده است (رجوع کنید به محقق حلّی، ص ۱۹۱؛ نوری، ج ۱، ص ۷۵). مفید از وی با

تعبیر «شیخنا» نام برده و ابن طاووس به شاگردی مفید نزد تلعبری تصریح کرده است (۱۳۷۰، ص ۱۸).

بیش از همه پسر تلعبری، ابوالحسین محمد بن هارون، از وی نقل کرده است (رجوع کنید به ادامه مقاله). شیخ طوسی، سلامه بن ذکاء حَرّانی را صاحب التلعبری خوانده (۱۴۱۵، ص ۴۲۷) که ظاهراً به معنای شاگرد ویژه است. شاگردان دیگر تلعبری عبارتاند از: سید مرتضی علمالهدی (همان، ص ۴۳۴، ش ۶۲۰۹)؛ سید رضی (شریف رضی، ص ۵۷، ۶۴، ۷۲)؛ محمد بن محمد بن خالد مُذاری که در صفر ۳۸۳ از تلعبری حدیث اخذ کرده است (عمادالدین طبری، ص ۹)؛ علی بن حسین بن محمد بن مُنّده که در صفر و ربیع الاول ۳۸۱ از تلعبری حدیث شنیده است (خزاز رازی، ص ۶۹، ۲۹۴، نیز رجوع کنید به ص ۳۳، ۴۴)؛ ابوالحسن علی بن محمد قزوینی (ابن طاووس، ۱۴۱۰، ص ۱۸۸؛ نیز رجوع کنید به کولبرگ، ص ۵۷۵ - ۵۷۶)؛ محمد بن احمد بن شاذان، مؤلف مائه منقبه (رجوع کنید به ابن شاذان، ص ۱۰۸ - ۱۰۹، ۱۱۲)؛ حسن بن ابی طاهر جاونی مؤلف نورالهدی (رجوع کنید به ابن طاووس، ۱۴۱۰، ص ۶۰۵)؛ ابوالقاسم علی، فرزند شیخ مفید (حلوانی، ص ۱۴۷؛ نیز رجوع کنید به شبیری، ۱۳۷۲، ش، ص ۱۱۹)؛ محمد بن حسن بن حسین بن ایوب قمی (عاصم بن حمید، ص ۲۱)، مؤلف اختصاص که به اشتباه به شیخ مفید نسبت داده شده است (رجوع کنید به شبیری، ۱۳۷۲، ش، ص ۲۰۹-۲۶۴)؛ جعفر بن احمد بن علی قمی معروف به ابن رازی (رجوع کنید به ابن رازی، جامع الاحادیث، ص ۹۸، ۱۱۶؛ همو، مسلسلات، ص ۲۴۳، ۲۴۶)؛ ابو عبدالله حسین بن عبدالله حرمی (دلائل الامامه، ص ۵۸،

۳۴۳)؛ ابو عبدالله حسین بن عبيدالله بن علی معروف به ابن واسطی (کراجکی، ج ۱، ص ۳۸۶ و با تبدیل عبيدالله به عبدالله در ص ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۸، ج ۲، ص ۴۲) که گویا همان حسین بن عبيدالله

غضائری است (زُراری، ص ۱۱۱، مقدمه حسینی، ص ۹۷-۹۹؛ ابن حجر عسقلانی، ج ۲، ص ۵۳۳، ۵۴۶، ۵۴۹). راوی پیشین هم احتمالاً همان غضائری است. برخی نعمانی را از شاگردان تلعبری دانسته‌اند که درست نیست (نوری، ج ۳، ص ۲۶۸؛ آقا بزرگ طهرانی، طبقات: نوابغ، ص ۳۲۹؛ نیز رجوع کنید به شبیری، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۷۸).

آرا. به سبب موجود نبودن کتابهای تلعبری، نمیتوان آرای خاص وی را به دست آورد. فقط دو نظریه فقهی و حدیثی وی ذکر شده است.

به گزارش شیخ مفید، وی از اصحاب عدد بود و ماه رمضان را همیشه سی روز میدانست (به نقل ابن طاووس، ۱۳۶۷ ش، ص ۵). این دیدگاه فقهی در دوره‌های بعد متروک گردید، ولی در قرن چهارم و پنجم بسیاری بدان معتقد بودند و درباره آن بحث میکردند (همانجا؛ نیز رجوع کنید به مفید، ۱۴۱۳؛ نجاشی، ص ۴۰۱؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص، ص؛ علم الهدی، ج ۲، ص ۶۳).

تلعبری، استعمال «اخبرنی» را هنگام نقل حدیث به روش اجازه، مجاز میدانسته و بر همین اساس از ابن ولید - که به تصریح شیخ طوسی (۱۴۱۵، ص ۴۳۹، ش ۶۲۷۳؛ نیز رجوع کنید به ابن طاووس، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۴۴) از او اجازه حدیث داشته و وی را دیدار نکرده - با عبارت «اخبرنی» نقل کرده است (محمد حصرمی، ذیل، ص ۹۶؛ خزاز رازی، ص؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۲، ۲۵۳-۲۵۴؛ نیز رجوع کنید به ابن طاووس، ۱۳۷۷ ش، ص ۴۰۸؛ درباره این بحث از جمله رجوع کنید به ابن صلاح، ص ۹۶-۹۸؛ مامقانی، ج ۳، ص ۱۴۶-۱۵۱). وی به احادیث مسلسل هم علاقه‌مند بوده است (ابن‌رازی، مسلسلات، ص ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۶۳).

خاندان. به گزارش رجال شیخ طوسی (ص، ش)، در ۳۱۳ از ابن اشعث برای تلعبری و پدر و برادر وی

اجازه حدیث گرفته شده است. این گزارش نشان می‌دهد که پدر و برادر تلعبری هم دستکم علاقه‌مند به دانش حدیث بوده‌اند. نجاشی (ص ۴۳۹)، در شرح حال هارون بن موسی تلعبری، اشاره می‌کند که با پسر تلعبری (ابوجعفر) در خانه او

حاضر می‌شده است درحالی‌که مردمان بر پدرش حدیث می‌خوانده‌اند. همچنین به نوشته شیخ طوسی در رجال (ص ۴۲۷) تلعبری در ۳۷۰ از سهل دیباجی حدیث شنیده و او و پسرش از سهل اجازه روایت حدیث داشته‌اند. مراد از پسر تلعبری ظاهراً همان فرزند مشهور وی محمد بن هارون است. محدث نوری در شمار مشایخ شیخ طوسی از حسین بن هارون بن موسی تلعبری نام برده است (ج ۳، ص) ولی این نام از سندی تحریف شده در امالی شیخ طوسی (ص) گرفته شده و عبارت صحیح «حسین بن عبیدالله عن هارون بن موسی تلعبری» است و مراد همان حسین بن عبیدالله غضائری، استاد معروف شیخ طوسی، است (قس آقا بزرگ طهرانی، طبقات: النابس، ص ۶۸، ۱۸۸).

ابوالحسین محمد بن هارون تلعبری - که نامش در دلائل الامامه و کتب دعای ابن طاووس فراوان ذکر شده - از پدر خود روایت بسیار دارد. روایات وی از شیخ صدوق هم بسیار است (دلائل الامامه، ص ۶۶، ۷۱، ۷۴) و اگر این امر در سال ورود صدوق به بغداد (۳۵۲ یا ۳۵۵) رخ داده باشد، باید ولادت وی را قبل از ۳۵۰ دانست. این احتمال نیز وجود دارد که روایت وی از صدوق به طریق اجازه کتبی بوده، بویژه اگر وی همان کسی باشد که با نجاشی (متولد ۳۷۲) همدرس بوده و نباید تفاوت سنی چندانی با وی داشته باشد. دریافت اجازه نقل حدیث از سهل دیباجی در ۳۷۰ نیز می‌رساند که وی قبل از این سال به دنیا آمده و به احتمال زیاد هنگام اخذ اجازه خردسال بوده است.

ابن طاووس (فرج المهموم، ص ۲۳۶) محمد بن هارون بن موسی را استاد شیخ مفید خوانده که در

کتاب‌های موجود شاهی بر آن نیافتیم و احتمال دارد با پدرش، که از استادان مفید بوده، اشتباه شده باشد (رجوع کنید به ۱۳۷۰، ص ۱۸). بر اساس این گزارش، محمد بن هارون در ۴۱۰ زنده بوده و در کُرخ بغداد حدیث نقل کرده است. همچنین به همراه گروهی از اصحاب پدرش نزد صاعد نصرانی رفته تا حدیثی را که وی از پدرش درباره امام حسن عسکری علیه‌السلام در اختیار داشته بشنود. بنا بر گزارش دیگری از ابن طاووس (۱۳۷۱ش، ص ۵۳۲ با اصلاح یک تحریف)، محمد بن هارون در سال ۴۰۰ کتابی را از محدّثی به نام خلف بن محمد مآوردی در حرم امام هادی و امام عسکری گرفته و از آن دعایی را رونویسی کرده است.

ابن طاووس در کتاب جمال الاسبوع، احادیث بسیاری را در موضوع ادعیه و آداب مستحبی از محمد بن هارون نقل کرده است (از جمله ص ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۶۲؛ نیز رجوع کنید به همو، ۱۳۷۰، ص ۲۰۴). این احادیث باید مجموع دعوات منسوب به وی باشد (کولبرگ، ص ۳۸۸). مجلسی (ج ۱، ص ۱۶، ۳۳، نیز رجوع کنید به ج ۷۷، ص ۱۱۸) از کتابی قدیمی با نام الکتاب العتیق یا العتیق الغروی یاد کرده و معتقد است این کتاب همان مجموع دعوات تلعبری است و ظاهراً بین این نسخه و نسخه ابن طاووس تفاوت‌هایی وجود داشته است. ابوالفتح غازی بن محمد طرائفی، راوی کتاب مجموع دعوات، در ۳۹۹ در دمشق، دعا‌های ایام هفته را برای تلعبری نقل کرده است (همان، ج ۸۷، ص ۱۴۲؛ درباره این کتاب رجوع کنید به آقا بزرگ طهرانی، الذریعه، ج ۲۰، ص ۲۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۱۸۴).

منابع: محمد محسن آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ علی نقی منزولی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳ / ۱۹۸۳؛ همو، طبقات اعلام الشیعه: النابس فی القرن الخامس، چاپ علی نقی منزوی، بیروت ۱۳۹۱ / ۱۹۷۱؛ همان: نوابغ الرواه فی رابعه المئات، چاپ علی نقی منزوی، بیروت ۱۳۹۰ /

۱۹۷۱؛ ابن بابويه، عيون اخبار الرضا، چاپ حسين اعلمی، بيروت ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴؛ همو، کمال الدين و تمام النعمه، چاپ على اکبر غفاری، قم ۱۳۶۳ ش؛ ابن حجر عسقلانی، لسان الميزان، چاپ محمد عبدالرحمان مرعشلی، بيروت ۱۴۱۵-۱۴۱۷؛ ابن رازی، جامع الاحاديث و يليه العروس، الغايات، المسلسلات، الاعمال المانعه من الجنه و نوادر الاثر فی على خير البشر، چاپ محمد حسینی نیشابوری، مشهد ۱۴۱۳؛ ابن شاذان، مائه منقبه من مناقب اميرالمؤمنين على بن ابيطالب و الائمه من ولده عليهم السلام، چاپ نبيل رضا علوان، بيروت ۱۴۰۹؛ ابن صلاح، علوم الحديث، چاپ مصطفى ديب البغا، [بیجا] ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴؛ ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه، چاپ فضل الله نوری، چاپ سنگی تهران ۱۳۱۲، چاپ افسست ۱۳۶۷ ش؛ همو، جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، چاپ جواد قیومی اصفهانی، [بیجا] ۱۳۷۱ ش؛ همو، فتح الابواب بين ذوی الالباب و بين رب الارباب فی الاستخارات، چاپ حامد خفاف، قم ۱۴۰۹؛ همو، فرج المهموم، قم: دار الذخائر، [بیجا]؛ همو، فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل اليوم و الليله، چاپ غلامحسین مجیدی، قم ۱۳۷۷ ش؛ همو، كشف المحجه لثمره المهجه، نجف ۱۳۷۰ / ۱۹۵۱؛ همو، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم ۱۴۱۱؛ همو، اليقين باختصاص مولانا على (ع) بامرہ المومنین، چاپ انصاری، بيروت ۱۴۱۰ / ۱۹۸۹؛ ابن غضائری، الرجال لابن الغضائری، چاپ محمدرضا حسینی جلالی، قم ۱۴۲۲؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، چاپ عبدالحسین امینی، نجف ۱۳۵۶؛ ابن نجّار، ذیل تاریخ بغداد، در احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، او، مدینه السلام، چاپ مصطفى عبدالقادر عطا، ج ۱۶-۲۰، بيروت ۱۴۱۷ / ۱۹۹۷؛ تستری؛ مصطفى بن حسین تفرشی، نقد الرجال، قم ۱۴۱۸؛ عبدالنبی جزائری، حاوی الاقوال فی معرفه الرجال، قم ۱۴۱۸؛ حسین بن عثمان، اصل حسین بن عثمان، در کتاب الاصول الستة عشر من الاصول الاولیه فی الروایات و احادیث اهل البيت عليهم السلام، قم: دار

الشبستری للمطبوعات، ۱۳۶۳ ش؛ جعفر بن محمد حضرّی، اصل جعفر بن محمد الحضرمی، در همان منبع؛ محمد بن مثنیٰ حضرّی، اصل محمد بن المثنیٰ الحضرمی، در همان منبع؛ حسین بن محمد حلوانی، نزّه الناظر و تنبیه خاطر، قم ۱۴۰۸؛ علی بن محمد خزاز رازی، کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر، چاپ عبداللطیف حسینی کوه کمری خوئی، قم ۱۴۰۱؛ خطیب بغدادی؛ خلاد سدّی، اصل خلاد السندی (السّدّی)، در کتاب الاصول الستّه عشر، همان؛ خوئی؛ درست بن ابی منصور، کتاب درست بن ابی منصور، در کتاب الاصول الستّه عشر، همان؛ دلائل الامامه، منسوب به محمد بن جریر طبری آملی، قم: موسسه البعثه، ۱۴۱۳؛ محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، چاپ عمر عبدالسلام تدمری، حوادث و وفیات ۳۵۱-۳۸۰ هـ، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ همو، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، چاپ علی محمد بجاوی، قاهره ۱۹۶۳-۱۹۶۴، چاپ افست بیروت [بیتا] ؛ احمد بن محمد زراری، رساله ابی غالب الزراری الی ابن ابنه فی ذکر آل اعین، چاپ محمدرضا حسینی، قم ۱۴۱۱؛ زید زراد، اصل زید الزراد، در کتاب الاصول الستّه عشر، همان؛ زید نرسی، اصل زید النرسی، در همان منبع؛ سلام بن ابی عمره، اصل سلام بن ابی عمره، در همان منبع؛ سمعانی؛ محمد جواد شبیری، چهار مقاله، در مقالات فارسی، ش ۵۵، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۳۷۲ ش؛ همو، «الکاتب النعمانی و مصادر کتابه الغیبه»، علوم الحدیث، سال ۲،

ش ۳ (محرم - جمادی الاخره)؛ همو، «نعمانی و مصادر غیبت»، انتظار، ش ۲ (زمستان ۱۳۸۰)، ش ۳ (بهار ۱۳۸۱)؛ محمد بن شریف رضی، خصائص الائمه علیهم السلام، چاپ محمد هادی امینی، مشهد ۱۴۰۶؛ زین الدین بن علی شهید ثانی، رسائل الشّهِید الثّانی، رساله ۳۳: حاشیه خلاصه الاقوال، قم ۱۳۷۹-۱۳۸۰ ش؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، چاپ حسن موسوی

خرسان، تهران ۱۳۹۰؛ همو، الامالی، قم ۱۴۱۴؛ همو، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، نجف ۱۳۷۸-۱۳۸۲؛ همو، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ همو، الرسائل العشر، چاپ محمد واعظزاده خراسانی، رساله ۹: رساله فی تحریم الفقاع، قم ۱۴۰۴؛ همو، کتاب الغیبه، چاپ عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، قم ۱۴۱۱ الف ؛ همو، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، چاپ عبدالعزیز طباطبائی، قم ۱۴۲۰؛ همو، مصباح المتجهذ، بیروت ۱۴۱۱ ب ؛ عاصم بن حمید، اصل عاصم بن حمید الحنات، در کتاب الاصول الستة عشر، همان؛ عبدالملک بن حکیم، اصل عبدالملک بن حکیم الخثعمی، در همان منبع؛ محمد بن محمد عبیدلی، تهذیب الانساب و نهایه الاعقاب، استدراک و تعلیق ابوعبدالله حسین بن محمد المعروف به ابن طباطبا، چاپ محمدکاظم محمودی، قم ۱۴۱۳؛ ابو سعید عباد عصفری، اصل ابی سعید عباد العصفری، در کتاب الاصول الستة عشر، همان؛ حسن بن یوسف علامه حلّی، ایضاح الاشتباه، چاپ محمد حسون، قم ۱۴۱۵؛ همو، رجال العلامة الحلّی، چاپ محمد صادق بحرالعلوم، نجف ۱۳۸۱/۱۹۶۱، چاپ افسست قم ۱۴۰۲؛ علی بن حسین علم الهدی، رسائل الشریف المرتضی، چاپ مهدی رجائی، رساله ۱۰: رساله فی الرد علی اصحاب العدد، قم ۱۴۰۵-۱۴۱۰؛ علی بن اسباط، نوادر علی بن اسباط، در کتاب الاصول الستة عشر، همان؛ محمد بن ابوالقاسم عمادالدین طبری، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، نجف ۱۳۸۳/۱۹۶۳؛ حسین بن عبیدالله غضائری، تکمله رساله ابی غالب، در احمد بن محمد زراری، همان منبع؛ عنایه الله قهپائی، مجمع الرجال، چاپ ضیاءالدین علامه اصفهانی، اصفهان ۱۳۸۴-۱۳۸۷، چاپ افسست قم [بیتا] ؛ عبدالله بن یحیی کاهلی، اصل عبدالله بن یحیی الکاهلی، در کتاب الاصول الستة عشر، همان؛ محمد بن علی کراجکی، کنز الفوائد، چاپ عبدالله نعمه، قم ۱۴۱۰؛ اتان کولبرگ، کتابخانه ابن

طاووس و احوال و آثار او، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم ۱۳۷۱ ش؛ کلینی؛ محمد بن اسماعیل مازندرانی حائری، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم ۱۴۱۶؛ عبدالله مامقانی، مقباس الهدایه فی علی الدرايه، چاپ محمدرضا مامقانی، قم ۱۴۱۱-۱۴۱۳؛ مثنی بن ولید، اصل مثنی بن الولید الحنطه، در کتاب الاصول الستة عشر، همان؛ مجلسی؛ جعفر بن حسن محقق حلّی، الرسائل التسع، چاپ رضا استادی، رساله: المسائل العزّیه، قم ۱۳۷۱ ش؛ مسعودی، تنبیه ؛ همو، مروج (بیروت)؛ محمد بن محمد مفید، جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیه، چاپ مهدی نجف، قم ۱۴۱۳؛ همو، کتاب الامالی، چاپ حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم ۱۴۰۳؛ احمد بن علی نجاشی، فهرست اسماء مصنّفی الشیعه المشتهر ب رجال النجاشی، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷؛ حسین بن محمد تقی نوری، خاتمه مستدرک الوسائل، قم ۱۴۱۵-۱۴۲۰؛ یاقوت حموی.

/ سیدمحمدجواد شبیری /